

جهان اسلام

ویامدهای فرهنگی آن

محمود صوفی آبادی

مقدمه

تغییر و تحولات دو قرن اخیر چهره جهان را یکسره مدرگون ساخته و حتی سرعت تحولات در سالهای اخیر به گونه‌ای بوده است که جهان امروز با جهان یک دهه پیش نیز تفاوت‌های بسیاری دارد. برخی نظریه پردازان علوم اجتماعی مشخصه اصلی تحولات دو قرن اخیر را در کوچکتر شدن جهان می‌دانند گروهی از آنان با رویکردهای متأثر از علوم ارتباطات از دهکده جهانی سخن می‌گویند و گروهی دیگر هم صدا با علمای سیاست واژه جهانی شدن و جامعه جهانی را به کار می‌برند جهانی شدن به‌شکل یکی از جریان‌های مسلط فکری عصر ما از مهمترین پدیده‌های فرهنگی معاصر به شمار می‌آید. این پدیده زمینه جالبین‌های فراوانی را در عرصه فرهنگ و تمدن بشری فراهم ساخته است. تأثیر امواج این جریان فکری به خصوص در سه حوزه فرهنگ اقتصاد و سیاست بر کسی پوشیده نیست. با توجه به تأثیرات جهانی شدن و پیامدهای مثبت و منفی آن در این مقاله کوشیده‌ایم تا ابتدا به مفهوم جهانی شدن و ویژگی‌ها و پیامدهای آن پرداخته و در ادامه

چگونه مادر زمانی زندگی می‌کنیم که با تحولات جهانی پیچیده‌ای روبه‌رو هستیم و پدیده‌های فکری جدیدی ما را احاطه کرده‌اند که در بسیاری از زمینه‌ها این پدیده‌ها و تحولات ما را با چالش‌های مختلفی مواجه ساخته‌اند. از جمله این پدیده‌های فرهنگی معاصر، پدیده و فرآیند جهانی شدن می‌باشد که از نتایج دور آن مدرنیته توسعه و پیشرفت فن آوری اطلاعات است. پدیده جهانی شدن بدلیل تأثیرات فراوانی که بر فرهنگ اقتصاد و سیاست کشورها و ملت‌ها داشته و دارد از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد به همین جهت در این مقاله سعی شده است تا به کمک روش توصیفی تحلیلی ابعاد و زوایای پدیده جهانی شدن و دیدگاه اسلام در برابر آن مورد تحقیق و بررسی بیشتر قرار بگیرد.

بحث با بهره‌گیری از برخی از آیات قرآن کریم موضع اسلام پیرامون این پدیده را مرور خواهیم نمود. البته آنچه در این مقاله خواهد آمد برداشت و فهم نگارنده از آیات و روایات اسلامی نسبت به این موضوع است. در مبحث سوم راههای تحقق جامعه جهانی از دیدگاههای مختلف بحث خواهد شد. در مبحث چهارم اشاره‌ای به موضوع جهانی‌نگری از منظر قانون اساسی خواهیم داشت و در مبحث پنجم به بیان وظیفه جامعه اسلامی در قبال پدیده جهانی شدن خواهیم پرداخت.

مبحث اول، جهانی شدن و پیامدهای آن الف- مفهوم جهانی شدن و ویژگی‌های آن

جهانی شدن چیست و چه تعریف قابل قبولی می‌توان از آن ارائه داد، تاکنون تعاریف مختلفی از این مفهوم ارائه شده است که این خود نشان از عدم توافق کلی میان محققین علوم اجتماعی و سیاسی بر روی چستی این مفهوم می‌باشد. در یک تعریف ساده می‌توان جهانی شدن

هسته اصلی مفهوم جهانی شدن در این معنا خلاصه می‌شود که دیگر واحد دولت ملی چارچوب کار آمد و مناسبی برای تبیین بسیاری از پدیده‌ها و رویدادهای فعلی نیست.

را حاصل گسترش روابط و تعاملات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی میان دولت‌ها و جوامع با یکدیگر دانست واژه جهانی شدن و جهانی‌سازی برای توصیف مرحله بین‌المللی شدن ارتباطات چه از طریق وسایل ارتباط جمعی و چه از طریق مبادله و انواع پیامها به کار رفته است. (فرهنگ علوم سیاسی، صفحه ۴۲۲)

جهانی شدن فرآیندی متنوع و قدرتمند است که در جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی، نظامی، سیاسی، ورزشی و غیره جامعه جهانی در حال به وقوع پیوستن است. جان تالینسون در تعریف جهانی شدن می‌گوید: جهانی شدن در فرآیند توسعه سریع پیوندهای پیچیده میان جوامع فرهنگی، نهادها و افراد در تمامی نقاط جهانی معنا پیدا می‌کند و هاروی جهانی شدن را متضمن دو عنصر فشردگی در زمان و مکان و کاستن از فاصله‌ها می‌داند (مجله اندیشه

صادق، شماره ۵، مقاله جهانی شدن خطر یا رویا الزام یا انتخاب، غلامرضا گودرزی)

وازن و یشارد جهانی شدن را حاصل تلاش دراز مدت برای ترکیب مجموعه‌ای از ابعاد جهانی زندگی با اقتصاد، سیاست و فرهنگ ملتها می‌داند (مجله اندیشه صادق، شماره ۵، مقاله مقدمه‌ای بر جهانی شدن، داود کیانی). از نظر مک‌گرو جهانی شدن عبارت است از گسترش روابط متنوع و متقابل بین دولت‌ها و جوامع که به ایجاد نظام جهانی کنونی انجامیده فرآیندی که بر آن رخدادها، تصمیم‌ها و فعالیتها در یک بخش از جهان می‌تواند پیامدهای مهمی برای افراد و جوامع در بخش کاملاً مجزایی از جهان در برداشته باشد (همان) آنتونی گیدنز جهانی شدن را تقویت مناسبات اجتماعی دانسته که محللهای دور از هم را چنان به هم ربط می‌دهد که هر واقعه محلی تحت تأثیر رویدادی که با آن فرسنگها فاصله دارد شکل می‌گیرد. جان گری فیلسوف سیاسی و یکی از منتقدان جهانی شدن، جهانی شدن را صرفاً پدیده‌ای اقتصادی می‌داند آن را چنین تعریف می‌کند شکلی تابهنجار و بدوی از مدرنیته که به سراسر جهان فراکننده شده است.

به هر حال می‌توان گفت مفهوم جهانی شدن به مجموعه فرآیندهای پیچیده‌ای اطلاق می‌شود که به موجب آن دولت‌های ملی به نحو فرآیندهای به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌شوند و جهانی شدن در واقع همکاری آگاهانه و یا الزامی ملتها و فرهنگها جهت زیستن در یک جامعه واحد جهانی است. «جهانی شدن» از یک سو یک چهارچوب مفهومی برای تبیین واقعیت‌های جاری جهانی است و از سوی دیگر تبیین نوعی جهان‌بینی و نگرش درباره جهان به عنوان یک منظومه کلان و به هم پیوسته است. با توجه به تعاریف گفته شده اصول و ویژگیهای جهانی شدن عبارتند از:

۱- جهانی شدن فرآیندی تک بعدی نیست بلکه این پدیده فرآیندی منسجم و یکپارچه است که در تمامی عرصه‌ها و حوزه‌های اجتماعی رسوخ کرده است.

۲- جهانی شدن پدیده‌ای چالش‌گراست به گونه‌ای که به ابعاد آن قلمرو بسیاری از مفاهیم کلاسیک همچون نظم، امنیت، دولت، حاکمیت ملی، هویت، اقتدار ملی، فرهنگ و... را در نور دیده و زمینه را برای تفسیر و باز تعریف آنها فراهم کرده است گفته می‌شود که هسته اصلی مفهوم جهانی شدن در این معنا خلاصه می‌شود که دیگر واحد دولت ملی چارچوب کارآمد و مناسبی برای تبیین بسیاری از پدیده‌ها و رویدادهای فعلی نیست.

۳- جهانی شدن یک فرآیند و پروسه است نه یک وضعیت غائی. ما در جهانی شدن با فرآیند «شدن» سرو

کار داریم فرآیندی که به کمک عواملی همچون نظام ارتباط جهانی، سازمانهای بین‌المللی و... مرزهای ملی را نادیده گرفته و بسیاری از پدیده‌ها را دستخوش تحول و تبدیل و تأثیرپذیری کرده است بطوری که گفته می‌شود جهانی شدن اولاً روندی اجتناب‌ناپذیر است. (جهانی شدن فرهنگ و سیاست، ص ۱۴) ثانیاً پدیده‌ای منتج از برخی تحولات اجتماعی است. ثالثاً این فرآیند بصورت یک وضعیت پایدار باقی نمی‌ماند و عاقبت وارد مرحله دیگری می‌شود که برخی از آن به عنوان «یکپارچگی جهانی» یاد می‌کنند.

۴- جهانی شدن با وجود تمامی مخالفتها و موافقتها نه خیر است و نه شر بلکه هم می‌تواند مطلوب باشد و هم نباشد به عبارت دیگر جهانی شدن هم منجی است و هم مهلک.

۵- از پیامدهای عصر مدرنیته و پیشرفت رسانه‌های ارتباطی است که به سرعت در حال فراگیری تمام

در بعد جهانی شدن
فرهنگ، جهانی شدن باعث
همگرایی و نزدیکی ادیان
و مذاهب شده که این خود
پایه‌های مشترک جهانی آنها
را محکم‌تر می‌سازد.

کشورهای جهان است. در فرآیند جهانی شدن، دولتها نقش چندانی ندارند بلکه نقش عمده و اساسی بر عهده مجامع بین‌المللی و شرکتهای چند ملیتی می‌باشد. اصولاً جهانی شدن یک پدیده مرز ناشناس و مرز گشا است.

۶- گسترش و اتحاد بازارهای مالی و بورس، استفاده از شیوه‌های نوین تجارت جهانی نظیر بازرگانی الکترونیکی، بین‌المللی شدن تولید یا به عبارت دیگر تولید مشارکتی، رقابت گسترده توأم با انتقال سریع اطلاعات؛ از اصول و ویژگیهای دیگر جهانی شدن است جهانی شدن اهمیت یافتن روزافزون بازار جهانی است.

۷- از ویژگی‌های دیگر جهانی شدن رشد فزاینده علم و تکنولوژی و تولید اطلاعات علمی است و این رشد بر نهادهای علمی و دینی از جنبه‌های گوناگون اثر می‌گذارد.

ب) زمینه‌های شکل‌گیری و گسترش پدیده جهانی شدن
جهانی شدن و تشکیل حکومت جهانی^۲ از دیرباز بعنوان یکی از آرمانهای بشریت مطرح بوده است. انسانها همواره

خواهان آن بوده‌اند که در پرتو اصول مشترک و متعالی به جنگها و درگیریها خاتمه داده و زندگی مسالمت‌آمیزی را محقق سازند. پیامبران الهی نیز تحقق چنین آرزویی را در آینده تاریخ بشریت بشارت داده‌اند که وجود تفکر ظهور یک منجی جهانی در میان ادیان و مذاهب مختلف خود دلیلی بر این ادعا می‌باشد (حقوق بین‌الملل اسلامی، جلد اول، صفحه ۱۱۲)

اساساً سه فرآیند در شکل‌گیری و یا گسترش این پدیده نقش محوری داشته‌اند.

۱- گسترش نظامهای دولتهای ملی که نقطه آغازین آن به قرن شانزدهم میلادی بر می‌گردد.

۲- رشد اقتصاد و سرمایه‌داری جهانی و انقلاب صنعتی در اروپا و غرب

۳- گسترش و توسعه وسایل ارتباط جهانی و فن‌آوری اطلاعات خیزش امواج جهانی شدن به سالهای ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ میلادی و بویژه پس از پایان جنگ سرد بر می‌گردد و وقوع پاره‌ای از تحولات پس از جنگ جهانی دوم در تشدید و سرعت گرفتن فرآیند جهانی شدن سهم بسزایی داشته‌اند از قبیل، تشکیل سازمان ملل متحد و سازمانهای بین‌المللی، فروپاشی نظام کمونیستی در شوروی سابق، رشد فعالیت شرکتهای چند ملیتی...، اطلاعات و حمل و نقل، بطوری که عمده رسانه‌های بین‌المللی حرکت خود را در جهت آماده‌سازی کشورهای جهان سوم برای پذیرش فرآیند جهانی‌سازی متمرکز کرده‌اند در حال حاضر مراجع بین‌المللی در جهت نیل به جهانی شدن و جهانی‌سازی صورت می‌گیرد اندیشه گنگتگوی تمدنها، برگزاری همایشهای بین‌المللی، اقدامات سازمان تجارت جهانی و... از نمونه‌های گسترش پدیده جهانی شدن می‌باشد.

ج- پیامدها و نتایج جهانی شدن در حوزه‌های فرهنگ، سیاست و اقتصاد

جهانی شدن مشتمل بر امواجی است که به نظر می‌رسد نظم برآمده از عصر جدید را دستخوش تغییر و دگرگونی نموده است. اندیشمندان و نظریه‌پردازان معاصر معتقدند که تفکر جهانی شدن از اندیشه‌های کلیدی ورود انسان معاصر به هزاره سوم میلادی است (جهانی شدن و جهان سوم، ص ۱۲۳) با توسعه و گسترش وسایل ارتباطی از قبیل اینترنت و ماهواره ما شاهد یک نوع تنیدگی جهانی و ارتباط تنگاتنگ جوامع بشری هستیم بویژه در عرضه فرهنگ سیاست و اقتصاد. فرآیند جهانی شدن از یکسو موجب افزایش معرف بشری و تحکیم روابط بین‌المللی شده و

یک رفاه و توسعه نسبی را برای جهانیان به ارمغان خواهد آورد ولی از دیگر سو سبب بروز چالش‌ها در حوزه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی شده و می‌شود بطوری که طرفداران دیدگاه رهیافت واگرایی معتقدند که حرکت اصلی فرآیند جهانی شدن به سمت افزایش نابرابری و عدم تعادل بین ملتها شده است (مجله اندیشه صادق، شماره ۵، مقاله مقدمه‌ای بر جهانی شدن، داود کیانی) و همین امر سبب شده که برخی از نظریه‌پردازان به ارائه تئوریهای خشونت‌گرا نیز کشانده شده‌اند. (برخورد تمدنها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی) در حالیکه دیگر صاحب‌نظران معتقدند در سایه تضارب آرا و تقابل جهان بینی‌ها که امر مطلوبی است باید با گفتگوی مسالمت‌آمیز به زایش اندیشه‌های متعالی کمک کرد (پیرامون جمهوری اسلامی، مرتضی مطهری) و

آیات زیادی از قرآن کریم
به صراحت باین صورت
غیر مستقیم از جهانی شدن
رسالت اسلام و محدود
نبودن آن به مکان یا زمان
معین سخن گفته و نگاه
جهانی دین اسلام را حکایت
و ترسیم نموده‌اند.

به جای برخورد تمدنها به گفتگوی تمدنها اندیشید. حرکت جهانی شدن با همه ابعاد وسیعی که دارد هر چند نتوانسته است بطور کامل حاکمیت ملی دولتها را کنار بزند اما در عین حال موجب شده است که «حاکمیت»، مفهوم اصیل خود را از دست بدهد و روند جهانی شدن منجر به تحدید حاکمیت دولتها گردیده است بطوری که دولتها استقلال و آزادی عمل کامل خود را از دست داده‌اند. موضوعاتی از قبیل حقوق بشر، منع گسترش سلاحهای هسته‌ای، تجارت جهانی، تأسیس دیوان کیفری بین‌المللی و... از مصادیق محدودیت به شمار می‌آیند.

جهانی شدن بر حوزه فرهنگ ملی و دینی نیز تأثیرگذار بوده است. استفاده افراد از انواع ابزارهای ارتباطی الکترونیکی نظیر رایانه و ماهواره‌ها باعث گسترش و رواج الگوهای رفتاری مشابهی در سطح جهانی شده که عموماً از آن با عنوان هویت مجازی^۲ یاد می‌شود. (دین جهانی شدن و فرهنگ سیاسی در جهانی سوم، ص ۱۲)

ما امروز شاهد ظهور گونه‌های جدیدی از فرهنگ جهانی

هستیم که بعنوان ارزش مطرح و تبلیغ می‌شود مفاهیمی از قبیل حقوق بشر، دموکراسی، آزادی، سکولاریسم که با فرهنگ ملی و دینی جوامع مسلمان مطابقت ندارد ولی بعنوان یک الگوی ارزش به سایر جوامع تحمیل می‌شود. به نظر می‌رسد فرهنگ فعلی حاکم بر ابزارهای ارتباطی برای کسانی که بنیه فکری قابل توجهی نداشته باشند هویت‌زا است نه هویت‌ساز و هویت انسانی قربانی هویت ماشینی می‌شود.

در بعد جهانی شدن فرهنگ، جهانی شدن باعث همگرایی و نزدیکی ادیان و مذاهب شده که این خود پایه‌های مشترک جهانی آنها را محکم‌تر می‌سازد. علی‌رغم تصور برخی که فکر می‌کنند در عصر مدرنیته وانفجار اطلاعات و در هم آمیختگی فرهنگها، دین به انزوا کشیده می‌شود باید گفت جهانی شدن نه تنها دین را به حاشیه نرانده بلکه در متن دغدغه‌های روحی بشر معاصر قرار داده است و انسان معاصر بیش از هر زمان به دین و آموزهای دینی احساس نیاز می‌کند (علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی) و جایگاه اندیشه دینی مورد تقویت و تأکید قرار گرفته است بنحوی که برخی معتقدند از دو مذهب مسیحیت و اسلام تبلیغ بیشتری می‌شود. و فضای جهانی فضای گفتگوی این دینها شده است گروهی دیگر نیز معتقدند که جهانی شدن باعث سکولاریزه شدن دین می‌شود به عبارت دیگر در فرآیند جهانی شدن فرهنگ غالباً از دین، مفهوم فردی آن تبلیغ می‌شود نه دین حکومتی و اجتماعی.

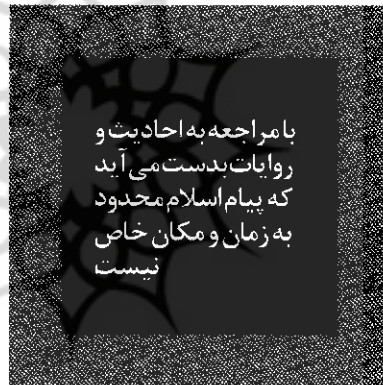
البته باید اذعان کرد که جهانی شدن عرصه مناسبی را برای تبادل افکار و اندیشه‌ها فراهم ساخته است. در حوزه اقتصاد نیز جهانی شدن پیامدهای مثبت و منفی فراوانی داشته و دارد. جهانی شدن هر چند توانسته زمینه و توسعه اقتصادی کشورها را فراهم سازد ولی متأسفانه از بعد اقتصادی سبب نابرابری کشورها شده و فاصله میان کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه را بیشتر کرده است. از مؤلفه‌های مهم فرآیند جهانی شدن می‌توان به آزادی‌سازی، تجارت کالاها و خدمات، اهمیت یافتن بازار جهانی، مجریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بین‌المللی شدن تولید، افزایش توان رقابتی، و مدیریت جهانی اشاره کرد.

مبحث دوم: اسلام و جهانی شدن

تاکنون در مورد مفهوم جهانی شدن، اصول و ویژگیها و نتایج و پیامدهای آن بحث و گفتگو کرده‌ایم. اینک می‌خواهیم ببینیم دیدگاه اسلام در مورد پدیده جهانی شدن چیست.

نکته مهم در ابتدای این بحث آن است که ما مدعی نیستیم پدیده‌های معاصر مانند جهانی شدن با همین بار معنایی و شبکه مفهومی آن در عصر حاضر، در متون اسلامی آمده است بلکه معتقدیم که پدیده‌های فکری هر عصری مبانی معرفتی خاص خود را دارند که ناشی از جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌های حاکم بر آنهاست و براین باوریم که اسلام مبادی فکری و نظری قوی و جامعی دارد که اگر به زبان روز استخراج و تبیین شود می‌تواند چراغی فروزان فرا راه انسان معاصر باشد البته کتب مقدس دیگر نیز مانند عهدین ادعای ارائه این مبادی را دارند اما مقایسه مبانی فکری اسلام با دیگر ادیان مقدس برتری بی‌چون و چرای اسلام و قرآن را ثابت می‌کند. (مقایسه میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ترجمه ذبیح‌الله دبیر)

از این رو باید گفت آنچه امروزه از آن تحت عنوان فرآیند جهانی شدن نام برده می‌شود علی‌رغم وجود نزدیکی و



شبهات‌ها از جمله حذف مرزهای جغرافیایی و سیاسی، با مفهوم جهانی شدن از دیدگاه اسلام مطابقت ندارد ولی مسلم آن است که اسلام منافاتی با موضوع جهانی شدن و جهانی‌سازی ندارد ولی ویژگی‌های جهانی شدن از منظر اسلام با ویژگی‌های اصطلاحی امروزی آن متفاوت می‌باشد. مروری بر مفاد متون دین و فرهنگ دین ما را به این واقعیت غیرقابل انکار روبرو می‌سازد که دین اسلام یک دین جهانی است و در تجربه تاریخی خود همواره برای جهانی شدن کوشیده است. اسلام مسأله جهانی شدن و تشکیل جامعه جهانی و حکومت جهانی را مطرح کرده است. مستندات و ادله زیر را می‌توان برای اثبات این موضوع بیان نمود:

الف: آیات قرآن

۱- آیات زیادی از قرآن کریم به صراحت یا به صورت غیرمستقیم از جهانی شدن رسالت اسلام و محدود نبودن آن به مکان یا زمان معین سخن گفته و نگاه جهانی دین

اسلام را حکایت و ترسیم نموده‌اند.
 «قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعاً»^۴
 «ای رسول ما به خلق بگو که من بر همه شما جنس بشر رسول خدایم»
 «یا ایها الناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم و الذین من قبلکم لعلکم تتقون»^۵
 «ای مردم خدایی را بپرستید که آفریننده شما و پیشینیان شماست باشد که منزه شوید»
 «وما ارسلناک الا کافه للناس»^۶
 «و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را بشارت دهیم نفرستادیم»
 «وما ارسلناک الا رحمه للعالمین»^۷

«وای رسول ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل جهان باشد»
 «تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیكون للعالمین نذیراً»^۸
 «بزرگوار آن خداوندی است که قرآن را بنده خاص خود نازل فرمود تا اهل عالم را متذکر و خدا ترس گرداند»
 «ان الله اصطفی ام و نوحاً و آل ابراهیم و آل عمران علی العالمین»^۹
 «به حقیقت خدا برگزید آدم و نوح و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان»

«هو الذی ارسل رسوله بالهدی و بین الحق لظهور علی الدین کلمه»^{۱۰}
 «او خدایی است که رسول خدا را قرآن و دین حق به عالم فرستاد تا او را بر همه ادیان غالب گرداند»
 در آیات شریفه فوق به این مطلب اشاره شده است که پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) پیام قرآنی خود را که همان وحی الهی است با ویژگی ابدیت برای تمام بشریت اعلام کرده است و آیات مزبور دلالت دارند بر فراگیر جهان شمول نظام حقوقی اسلامی و اینکه رسالت پیامبر اگر م (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) جهانی و برای تمام انسانهاست.

۲- آیاتی که در آنها تشکیل جامعه جهانی بشارت داده شده است.
 «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عبادی الصالحون»^{۱۱}

«و ما بعد از تورات در زبور داود نوشتیم که البته بندگان صالح من وارث زمین خواهند شد»
 «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا صالحات لیستخلفنکم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و لیمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم و لیبذ لهم من بعد خوفهم امننا»^{۱۲}

«و خدا به کسانی که از شما مؤمنان ایمان آرد و نیکوکار گردد و وعده فرموده است که در زمین خلافت دهد چنان که امام صالح پیامبران سلف جانشین پیشینان خود شوند و علاوه بر خلافت دین پسندیده آنان را بر همه ادیان تمکن و تسلط عطا کند و بر همه مؤمنان پس از خوف و اندیشه

از دشمنان ایمنی کامل دهد.»

«یا ایها الذین آمنوا ادخلوا فی السلم کافه و لاتتبعوا خطوات الشیطان»^{۱۳}

«ای اهل ایمان همه متفقاً نسبت به اوامر خدا در مقام تسلیم درآید و از دسیسه‌های تفرقه‌آور شیطان پیروی نکنید»

«یا اهل الکتاب تعالوا الی کلمه سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لانشرك به شیئا»^{۱۴}

«بگوای اهل کتاب بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنید و بجز خدای یکتا هیچ کس را نپرستیم و چیزی را با او شریک قرار ندهیم»

۳- آیاتی که متضمن مثلث‌های قرآن است

مرحوم طبرسی به هنگام بحث از «ضرب الامثال» قرآن و بیان فلسفه آن می‌گوید «و ضرب الامثال اما هو جعلها لتسیر فی البلاد» (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳۳).

ایشان معتقد است که تأکید بر سیر و انتقال فرهنگ قرآنی بر سرزمین‌ها و به عبارت امروزی جهانی شدن آن است خود قرآن نیز می‌فرماید: «و لقد ضربنا للناس فی هذا القرآن من کل مثل»^{۱۵} که این خود مؤید اعجاز قرآن در زمینه علوم و معارف آن است.

۴- آیه ۱۳ سوره حجرات که می‌فرماید:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکروا نثی و جعلناکم شعوباً

و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقیکم»

«ای مردم ما شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آنگاه شعبه‌های بسیاری و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسیم همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.»

که در این آیه اشاره شده به اینکه اولاً انسانها در اصل دارای جوهر و منشا واحدی هستند و اختلافات قومی زبانی و نژادی عارضی و غیراصیل است ثانیاً این آیه با توجه به دو واژه «تعارفوا و اتقیکم» تکثر قومی و تمدنی را برای افزایش معرفت انسانی و حاصل شدن سعادت و رفاه جهانی معرفی می‌کند.^{۱۶}

۵- تمامی مواردی که آیات قرآن با خطاب عام یا ایها الناس آغاز می‌شود می‌تواند شاهدی برجسته‌ای بر جهانی بودن پیام قرآن باشد مانند آیه ۲۱ سوره بقره، آیات ۱۷۰ و ۱۷۴ سوره نسا و آیات ۲۳ و ۵۷ و ۱۰۴ و ۱۰۸ سوره یونس.

ب) روایات

عموم مضامین قرآنی از روایات نیز قابل برداشت است با مراجعه به احادیث و روایات بدست می‌آید که پیام اسلام محدود به زمان و مکان خاص نیست بعنوان نمونه به یک فرار از نهج البلاغه اکتفا می‌شود.

«اما بعد فان الله سبحانه بعث محمداً صلی الله علیه و آله خیر العالمین»^{۱۷}

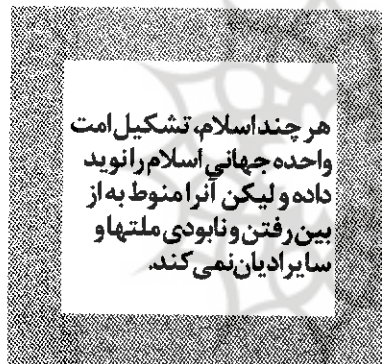
به نظر می‌رسد حتی از روایاتی همچون «طلبوا العلم و لوبالصین» می‌توان نگاه جهانی اسلام و تشویق مسلمانان به محدود نماندن در مرزهای جغرافیایی خود را برداشت کرد.

ج) سیره نبوی

از سیره و سنت پیامبر که در منابع تاریخی نقل شده است نیز نشانه‌هایی از نگاه جهانی آن حضرت دارد به خصوص ارسال نامه از سوی ایشان به سران قدرتهای بزرگ جهانی و دعوت آنها به اسلام.

د) استدلال عقلی

افزون بر این همه لازمه اعتقاد به خاتمیت دین اسلام جهانی بودن این دین است زیرا اگر قرار باشد از این



پس هیچ پیامبری مبعوث نشود دین اسلام باید قابلیت پاسخگویی به نیازهای همه انسانها را در همه زمانها و همه مکانها داشته باشد یعنی باید دین اسلام هم از نظر زمانی و هم از نظر مکانی فراگستر و جهانی باشد تا نیاز همیشگی بشر به هدایت آسمانی را برآورده سازد.

حاصل کلام آنکه آموزه‌های قرآنی و روایی، سیره عملی پیامبر و استدلال عقلی بر جهانی بودن دین اسلام گواهی می‌دهد و اینکه در آینده حکومت واحد جهانی اسلام تحقق خواهد یافت.

مبحث سوم: جامعه جهانی (آینده جهانی شدن)

جهانی شدن با هدف همبستگی و یکپارچگی جهانی به سمت تشکیل جامعه واحد جهانی در حرکت است. راه و هدفی که خیلی از متفکران و مصلحان جهان اعم از مسلمانان و غیر مسلمانان آنرا مطرح و پیش‌بینی کرده‌اند و همواره بدنبال تحقق عینی و عملی این مرحله از مراحل تکامل جامعه بشری بوده‌اند پرسش این است که جهانی شدن به مفهوم امروزی آن و با اصول و ویژگیهایی که دارد به کجا منتهی خواهد

شد آیا ما به راستی شاهد شکل‌گیری جهانی پیکارچه و بدون مرز با ارزشهای مشترک خواهیم بود.

در اینجا به بیان دیدگاه‌های مختلف در زمینه تشکیل جامعه جهانی و آینده فرآیند جهانی شدن می‌پردازیم.

هانتینگتون در بدبینانه‌ترین تصویری که از آینده ارائه می‌دهد جهان را عرضه نزاع و برخورد تمدن‌ها در نظر می‌گیرد و معتقد به جنگ میان تمدن‌ها است که در نهایت به غلبه و سیطره تمدن غرب خواهد انجامید.

جمیز روزنا معتقد است که ما در جهان کنونی شاهد دو گونه حرکت متمرکزگرا و گریز از مرکز هستیم در حالیکه حرکت متمرکزگرا با تکیه بر فرآیند جهانی شدن قصد دارد تا با گشودن مرزهای محلی مجموعه‌ای از هنجارها و عادات مبتنی بر منافع همگانی را در جوامع مختلف پایه‌گذاری کند.

حرکت دیگری در قالب محلی‌گرایی و تفکرات ناسیونالیستی سعی دارد تا هویت و فرهنگ بومی و ملی خود را حفظ نموده و تعیین بیشتری به منافع ملی کشور بدهد البته وی در نهایت واگرایی و محلی‌گرایی را در جهت انطباق با جهانی شدن ارزیابی می‌کند. (مقدمه‌ای بر جهانی شدن، داود کیانی) از سوی دیگر برخی معتقدند که از طریق زور و احقاق حق طبیعی نسل برتر یعنی اطاعت نژادهای دیگر از نژاد برتر

اسلام حتی در زمانی که
در اوج قدرت خویش
است نیز در صدد از هم
باشیدگی و نابودی ملت‌ها و
تبدیل آنها به امت واحد از
نظر اداب و رسوم و سایر
ویژگی‌ها نبوده است.

به تشکیل جامعه جهانی نائل آیند از جمله گروهی که دارای اینگونه تفکر بوده است حزب نازی آلمان به رهبری هیتلر است و جنگ جهانی اول و دوم تا حدود زیادی معلول همین فکر بوده است. (حقوق بین‌الملل اسلامی، ص ۱۱۳)

بعضی نیز معتقدند بشر از راه دانش نمی‌تواند به وحدت برسد زیرا سیر طبیعی علم به طرف تفرقه است و ترجیح داده‌اند که عشق به انسانها را به عنوان عامل وحدت ملت‌ها معرفی کنند آگوست کنت جامعه‌شناس معروف فرانسوی طرفدار این دیدگاه است (اسلام و حقوق بین‌المللی عمومی، ص ۲۹۸)

مارکسیسم معتقد است که بیشتر از نزاعهای جوامع

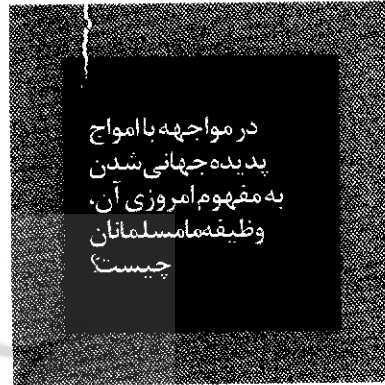
بشری به سبب کمبود تولید و تأمین نشدن نیازها بصورت صحیح است بنابراین بشر باید با بهره گرفتن از استعدادهای فوق‌العاده خود و استفاده از نیروی کار کمبودها را مرتفع تا سرانجام به مرحله صلحی برسد که در آغاز آفرینش داشته و زندگی جمعی همراه با تعاون و صلح اجتماعی است و سایر عوامل اختلاف برانگیز باید به فراموشی سپرده شود. مارکسیسم معتقد است در نهایت امر نظام‌های سرمایه‌داری کنونی به جامعه بی‌طبقه و جامعه کمونیستی تبدیل خواهد شد. هر چند که هنوز پس از گذشت سالیان متوالی رویای تشکیل جامعه بی‌طبقه و بدون دولت جامعه عمل نبوشیده است. لنین این پدیده را اینگونه توجیه می‌کند در اندیشه مارکسی و انگلس انقلاب باید در سطح جهانی عملی می‌شد ولی چون در یک کشور معین اتحاد جماهیر شوروی به وقوع پیوسته است. بورژوازی جهانی هم و غم خود را معطوف به درهم کوبیدن این انقلاب کرده است. (حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ص ۱۷۵).

فرانسیس فوکویاما در یک دیدگاه متعارض نظریه پایان تاریخ را مطرح کرده که همان تمدن غربی است. این نظریه در واقع تمدن غرب و نظام سرمایه‌داری را پایان جهان بعد فروپاشی شوروی سابق معرفی و ترسیم می‌کند: (جهانی شدن فرهنگ سیاست، ص ۱۵)

عده‌ای دیگر از اندیشمندان طرفدار جامعه جهانی و حکومت ۱۸ جهانی تأسیس فدراسیون را مد نظر دارند که در آن یک قدرت مرکزی وجود دارد و دولت‌های تشکیل دهنده آن بایستی بخشی از قدرت و اختیارات ویژه دولتی را به آن واگذار نمایند و بخش دیگر را برای خود نگه دارند یک قانون جهانی که برای تمام اعضا و افراد قابل اجرا باشد بوسیله حکومت مرکزی وضع می‌شود.^{۱۹} (فرهنگ روابط بین‌المللی، ص ۴۱۶) عده‌ای نیز به جای پیشنهاد استقرار یک نظام فدرال جهانی تکامل تدریجی یک جامعه جهانی بر ارزش و اهداف مشترک را مقدمه لازمی برای ایجاد این ساختار سیاسی می‌دانند اینها بدون اینکه پیشنهاد خاصی را مطرح کنند رسیدن به جامعه جهانی را به صورت طبیعی در سایه تکامل جامعه بشری و گسترش علم و تمدن و روابط اجتماعی وسیع‌تر ممکن دانسته‌اند. پیروان ادیان و مکتبها عموماً بر این عقیده بوده‌اند که تشکیل جامعه جهانی در صورتی ممکن است که همگان دارای عقیده و بینش واحدی که همان عقیده و جهان‌بینی مخصوص خود آنان است باشند و وحدت عقیده را تنها راه رسیدن به جامعه واحد جهانی می‌دانند (اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، ص ۲۹۹-۳۰۰)

حال ببینیم دیدگاه و نظر اسلام در مورد ترسیم آینده جهان و تشکیل حکومت جهانی چیست؟ در بینش

اسلامی همانند سایر ادیان آرمان تشکیل حکومت جهانی وجود دارد ولی این بدین معنی نیست که در دوران تحقق چنین آرمانی دیگر ملت‌ها و اقوام و یا آیین‌ها وجود خارجی نخواهد داشت به عبارت دیگر هر چند اسلام، تشکیل امت واحده جهانی اسلام را نوید داده ولیکن آنرا منوط به از بین رفتن و نابودی ملت‌ها و سایر ادیان نمی‌کند. بنابراین با استناد به آیات و روایات می‌توان گفت که تنها



معیار تحقق جامعه جهانی از دیدگاه اسلام داشتن عقیده توحیدی است و نه وحدت عقیده‌ها.

در قرآن کریم چنین آمده است:
 «اذ قال الله يا عيسى اني متوفيك ورافعك الي و مطهرک من الذین کفروا و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الي يوم القيامة...»^۲

«به یادآور وقتی که خداوند فرمود ای عیسی همانا من روح تو را قبض نموده و برآسمان بالا برم و تو را پاک و منزله از معاشرت کافران گردانم و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم»

از این آیه به روشنی استفاده می‌شود که آیین مسیح (علیه السلام) تا روز قیامت موجودیت خود را حفظ خواهد کرد و همانگونه که بسیاری از مفسران گفته‌اند این امت برتری نسبی خودش را بر کفار برای همیشه حفظ می‌کند. همچنین در آیات ۷ و ۸ سوره اسرا می‌خوانیم:

«فاذا جاء و عدالآخره لیسوؤا و جوهکم و لیدخلوا المسجد کما دخلوه اول مره ولیتبروا ما علوا تبتیرا عسی ربکم ان یرحمکم و ان عدتم عدنا و جعلنا جهنم للکافرین حصیرا»

«و آنگاه که وقت انتقام ظلم دیگر شما فرارسید اثر بیچارگی و خوف و اندوه و رخسار شما ظاهر شد و به مسجد بیت‌المقدس مانند بار اول درآیند و به هر چه رسند ناپود سازند و به هر کسی تسلط یابند به سختی هلاک گردانند امید است خدا به شما باز مهربان گردد و اگر به عصیان و ستمگری برگردید ما هم به مجازات شما باز می‌گردیم و جهنم را زندان کافران قرار داده‌ایم»

که از مفهوم این آیه شریفه که سرنوشت یهود در آخر الزمان و مقارن ظهور مهدی (عج) سخن می‌گویند چنین استنباط می‌شود که آیین یهود نیز همانند مسیحیت تا پایان جهان باقی خواهد ماند.

گذشته از آیات قرآن کریم هنگامی که به سیره پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و پیمانهای متعددی که با قبایل و گروه‌های مختلف برقرار ساخته است مراجعه کنیم به روشنی خواهیم دید که پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در صدد نابودی مذاهب و حتی آداب و رسوم غیره نبوده است برای نمونه می‌توان به پیمانهای صلح پیامبر با یهودیان مدینه و نصارای نجران مراجعه کرد.

از آنچه گفته شد به دست می‌آید که اسلام حتی در زمانی که در اوج قدرت خویش است نیز در صدد از هم پاشیدگی و نابودی ملت‌ها و تبدیل آنها به امت واحد از نظر آداب و رسوم و سایر ویژگیها نبوده است و تنها معیار امت واحد از دیدگاه اسلام داشتن عقیده توحیدی است. به عبارت دیگر اسلام معتقد به جامعه جهانی با حفظ ملیتهای مختلف است نه حذف ملیتهای مختلف وضعیتی که شیبه حکومت فدرال و فدراسیون می‌باشد.

علامه مجلسی از امام صادق (علیه السلام) روایت کرده که به ابوبصیر فرمود: ای ابومحمد مثل این است که می‌بینم حضرت قائم با فرزاندانش در مسجد سهله فرود آمده‌اند ابوبصیر گفت قائم در مورد اهل ذمه چگونه رفتار خواهد کرد امام پاسخ داد: همانگونه که پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با آنان صلح کرد مهدی نیز با آنها صلح می‌کند و در دوران مهدی و حکومت اسلامی با قبول حاکمیت اسلام و پرداخت مالیات جزیه زندگی مسالمت‌آمیزی خواهند داشت. (بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۶)

از آنچه بیان شده بدست می‌آید که در میان ادیان تنها اسلام است که برای وصول به صلح جهانی و حکومت جهانی وحدت عقیده را ضروری ندانسته بکله معتقد است با رسمیت یافتن اصل توحید و استفاده از نقاط مشترک و کلی ادیان - که همان اعتراف به توحید و نفی شرک است - نیز وصول به این مرحله از تکامل جامعه بشری ممکن است یعنی تشکیل و استقرار حکومت جهانی اسلام که یک امر تحقق یافتنی و اجتناب‌ناپذیر است.

مبحث چهارم: جهانی‌نگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

در مقدمه قانون اساسی و همچنین اصل یازدهم آن با الهام از آیات قرآن کریم و مبانی دینی موضوع جهان‌نگری مطرح گردیده است.

در مقدمه قانون اساسی جمهوری ایران آمده است: «زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند بویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبشهای اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند»

در اصل یازدهم قانون اساسی کشورمان نیز چنین مقرر شده است. «به حکم آیه ان هذه امتکم امة واحدة وانا ربکم فاعبدون» همه مسلمانان یک امتند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست محلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد.»

هر چند در این اصل قانون اساسی وحدت مسلمانان جهان مورد توجه قرار گرفته ولی طبیعی است که وحدت مسلمانان یکی از گامهای مؤثر برای نیل به وحدت بشریت است با این همه آیه مورد استفاده در این اصل طبق تفسیر المیزان

اصولاً جهانی شدن یک پدیده
مرز ناشناس و مرز گشا است
اندیشه گفتگوی تمدنها
برگزاری همایشهای بین‌المللی
اقدامات سازمان تجارت جهانی
و... از نمونه‌های گسترش پدیده
جهانی شدن می‌باشد

وحدت نوع انسانی را منظور داشته است نه فقط وحدت مسلمانان را. (المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۳۲۲)

مبحث پنجم: وظیفه ما در مقابل پیامدهای فرهنگی جهانی شدن

پس از اینکه جهانی شدن و موضع اسلام در قبال آن را مورد بررسی قرار دادیم نوبت به این پرسش مهم و اساسی می‌رسد که در مواجهه با امواج پدیده جهانی شدن به مفهوم امروزی آن، وظیفه ما مسلمانان چیست؟ مسئله اینجاست که به قول برخی از متفکران، جهانی شدن یک گزینه انتخابی نیست بلکه کاروانی است که همزمان در همه شاهره‌های دنیا به سرعت در حال حرکت است و کشورها نیز توان متوقف کردن آنرا ندارند. (جهانی شدن فرهنگ و سیاست، ص ۱۴)

حال با اذعان به این حقیقت رسالت و مسئولیت ما به عنوان مردم مسلمان و حکومت ما به عنوان حکومت اسلامی چه خواهد بود؟ به طور کلی باید گفت در مواجهه

با پدیده جهانی شدن ما باید ضمن تلاش برای جهانی ساختن اسلام و تحقق عملی اصل یازدهم قانون اساسی و بهره‌گیری از پیامدهای مثبت جهانی شدن به سمت پیشرفت و تکامل حرکت کنیم و بتوانیم با تأکید بر غنای فرهنگ دینی و ملی خود از خطرات و آفات این پدیده مصون بمانیم آنچه مسلم است این واقعیت انکارناپذیر است که دین اسلام با ارزشها و آرمانهای متعالی خود غنای لازم برای رویارویی با اینگونه پدیده‌ها را دارد.

به تعبیر دیگر موج جهانی شدن در حال فراگیری تمام کشورهای جهان است و راه نجات از غرق شدن در امواج سهمگین آن شنا در جهت مخالف و یا سپردن خویش در دست تقدیر نیست بلکه ساختن کشتی مستحکمی است تا بتوانیم به راحتی از این امواج بهره گرفته و به سمت پیشرفت و ساحل ارتقا حرکت کنیم.

در این رابطه قرآن کریم سه راهکار عملی را به ما پیشنهاد می‌دهد.

اول اینکه: قرآن مسلمانان را به تحصیل معرفت و آگاهی همه جانبه دعوت می‌کند.

در آیات ۳۶-۳۷ سوره اسرا خداوند می‌فرماید:

«ولا تقف ما لیس لك به علم ان السمع والبصر والنفوس کل اولئک کان عنه مسئوفاً»

«و چیزی را که به آن علم نداری دنبال و تبعیت نکن زیرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد.»

قرآن کریم به نوع انسان توصیه می‌کند که در عرصه تبادل فرهنگها و اندیشه‌ها و باورها و افکار (استماع قول) از قبول کورکورانه آن پرهیز کنیم و به سخنانی گوش فرا دارند که ندهای توحیدی داشته باشد.

توصیه دوم قرآن به گزینش احسن است. در آیات ۱۷-۱۸ سوره زمر آمده است:

«والذین اجتنبوا الطاغوت ان یعبودها و انا بوا الی الله لهم البشری فبشر عباد الذین یستمعون القول فیتبعون احسنه اولئک الذین هدا هم الله و اولئک هم اولو الالباب»

«و آنان که خود را از طاغوت به دور می‌دارند تا مبدا بپرستند و به سوی خدا بازگشتند آنان را مژده باد پس بشارت ده به آن بندگان که به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند اینانند که خدای ایشان هدایت نموده و اینانند همان خردمندان.»

که در این آیه توصیه قرآن به قدرت‌گزینی انسان و پرهیز او در پذیرش هویت‌های غیرواقعی و مجازی است که با فطرت بشری و علت غائی دینی منافات و تعارض دارند و دستور و توصیه دیگر قرآن کریم حفظ اصالت دین است.

«یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا ولعبا من الذین اوتوا الکتاب من قبلکم و الکفار اولیا و اتقوا الله ان

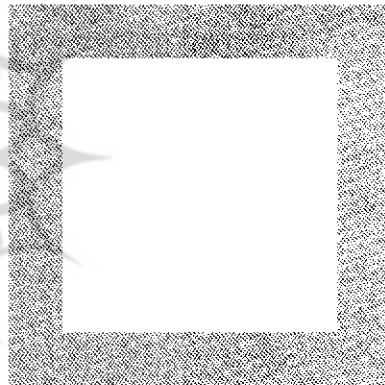
«ای اهل ایمان با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را به استهزا و بازیچه گرفتند دوستی مکنید و از خدا بترسید اگر به او ایمان آورده‌اید»

«یا ایها الذین امنوا لاتتخذوا عموي و عدوكم اولیا...»^{۲۲}

«ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید نباید کافران را که دشمن من و شمایند اولیای خود قرار دهید»

«ولا تركزوا الي الذین ظلموا...»^{۲۳}

«به کسانی که ظلم می‌کنند با اطمینان و اعتماد روی مبرید» از این آیات نورانی قرآن و دیگر آیات نتیجه حاصل می‌شود که هر چند اسلام داشتن رابطه با بیگانگان را نهی نمی‌کند بلکه مسلمانان را به داشتن رفتاری منصفانه و نیک با آنها توصیه می‌کند (آیات ۹ الی ۱۷ سوره ممتحنه و آیه ۳۴ سوره فصلت و آیه ۱۰۸ سوره انعام) ولی شرایط و حدودی را مقرر نموده است داشتن رابطه دوستانه با



ملتهای دیگر مجاز است مشروط به اینکه اصالت دین حفظ شود و راه برای سیطره و نفوذ غیرمسلمانان بر مسلمانان وجود نیاید و این رابطه منجر به دوستی یک جانبه، اطاعت و دنباله روی از بیگانگان، احساس پشت گرمی و اطمینان و بالاخره خودباختگی و پذیرش ولایت آنان نگردد.

نتیجه‌گیری

آنچه در این نوشتار آمده تلاش فکری برای الهام‌پذیری از معارف دینی بویژه قرآن کریم در چگونگی استخراج تکاتی پیرامون پدیده جهانی شدن بود، که در این راستا مفهوم جهانی شدن و اصول و پیامدهای آن بویژه نسبت به فرهنگ دینی و ملی مورد بررسی قرار گرفت.

در مبحث دوم به بیان موضع اسلام پیرامون پدیده جهانی شدن اشاره گردید و گفته شد اسلام به جهت هویت جهانی داشتن منافاتی با پدیده جهانی شدن ندارد ولی جهانی شدن از منظر اسلام به معنای حاکمیت یافتن

اسلام بر جهان و جهانیان می‌باشد.

در مبحث سوم نظرات مختلف اندیشمندان راجع به جامعه جهانی و راههای نیل به آن بازگو شد و گفتیم که اسلام معیار تحقق جامعه واحد جهانی را عقیده توحیدی با حفظ ملیتهای مختلف می‌داند و در پایان شیوه تعامل و مواجهه با پدیده جهانی شدن مورد بررسی و بحث قرار داده شد و نتیجه گرفتیم که وظیفه مسلمانان و حکومت‌های اسلامی حفظ اصالت دین و پرهیز از خودباختگی و حفظ هویت دینی و ملی است و در برابر امواج عصر جهانی شدن و انفجار اطلاعات وظیفه همه انسانها یکی تلاش برای کسب آگاهی و دیگری گزینش و انتخاب احسن خواهد بود. این دو نکته انسان معاصر را در برخورد با پدیده جهانی شدن یاری می‌رساند و به او حق حاکمیت بر سرنوشت خویش در همه زمینه‌های اقتصادی سیاسی و فرهنگی خواهد داد.

منابع و ماخذ:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- نهج البلاغه
- ۳- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران
- ۴- ابراهیمی محمد و حسینی سید علیرضا، اسلام و حقوق بین‌المللی عمومی، جلد اول، انتشارات سمت، ۱۳۷۲
- ۵- باربور، ایمان علم و دین، ترجمه بهالالدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲
- ۶- بوکای موریس، مقایسه میان تورات انجیل قرآن و علم، ترجمه دبیرخانه دبیر، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۴
- ۷- پلینز ج کلسی، فرهنگ روابط بین‌المللی، ترجمه حسن پستا، انتشارات فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۵۷
- ۸- ملیسون، جان، جهانی شدن و فرهنگ، ترجمه محسن حکیمی، چاپ اول، ۱۳۸۱
- ۹- خلیلیان، سیدخلیل حقوق بین‌الملل اسلامی، جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بهار ۱۳۶۲
- ۱۰- ری کبلی و فیل مارفیت، جهانی شدن و جهان سوم، ترجمه شیخ علیان و نورانی، وزارت امور خارجه، ۱۳۸۰
- ۱۱- طباطبائی، علامه محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۷۳
- ۱۲- طبرسی، شیخ ابوفضل، مجمع البیان، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۷۹
- ۱۳- قاضی ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چاپ دوم انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۰
- ۱۴- کاظمی، علی‌اصغر، جهانی شدن فرهنگ و سیاست نشر قوس، تهران، ۱۳۸۰
- ۱۵- کیانی، داود، مقاله مقدمه‌ای بر جهانی شدن، مجله اندیشه صادق، شماره ۵
- ۱۶- گوهرزی، غلامرضا، مقاله جهانی شدن، خطر یا رویا الزام یا انتخاب، مجله اندیشه صادق، شماره ۵
- ۱۷- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار،
- چاپ سوم دار حیا التراث العربی، بیروت، ۱۴۰۳
- ۱۸- مرکز مطالعات و مدارک علمی ایران، فرهنگ علوم سیاسی، بهار ۱۳۷۵
- ۱۹- مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۷
- ۲۰- هانگینتون، ساموئل، برخورد تمدنها و بازسازی نظام جهانی، ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، دفتر پژوهشی‌های فرهنگی، تهران، ۱۳۷۸

یادداشت‌ها:

۱. Globalization
۲. World Government
۳. Figurative identify
۴. آیه ۱۵۸، سوره اعراف
۵. ۲۱۵ / بقره
۶. ۲۸ / سبأ
۷. ۱۰۷ / انبیا
۸. ۱ / فرقان
۹. ۳۳ / آل عمران
۱۰. ۲۸ / فتح
۱۱. ۱۰۵ / انبیا
۱۲. ۵۵ / نور
۱۳. ۲۰۸ / بقره
۱۴. ۱۴ / آل عمران
۱۵. آیه ۵۸، روم و ۲۷ / زمر
۱۶. در آیه ۱۳ سوره حجرات خداوند تقوا را مطرح نموده است و در آیه ۳۱ سوره نبا (ان للمتقین مغازا) این سعادت و راه بیان فرموده است.
۱۷. نامه ۶۲ نهج البلاغه
۱۸. یعنی اندیشه تشکیل یک نهاد سیاسی جهانی که بتواند از طریق استقرار یک قدرت فائده فراتر از نظام دولتی صلح و امنیت را در جهان تأمین کند.
۱۹. فعال‌ترین سازمانی که ایده حکومت جهانی را تبلیغ می‌کند سازمان فدرالیستهای جهان متحده است.
۲۰. ۵۴ / آل عمران
۲۱. ۵۷ / مائده
۲۲. ۱ / ممتحنه
۲۳. ۱۱۲ / هود